منطقه آن‌قدر وسیع بود که ازنظر انتظامی یکی از بزرگ‌ترین واحدهای آن منطقه به شمار می‌رفت.

شهر جدید به نام بستی[۱] تأسیس شد

[۱] دار سلسله نواب‌های اودَه در شبه‌قارهٔ هند بوده است. در کی شرقدار ایرانی‌تبار هندی و بنیان

و ۲۶ نفر کشته شدند. در واکنش آن، مردم به خشم آمده کلانتری را آتش زدند و ناشی از آن ۲۱ نفر از نظامیان و یک معاون کلانتری زنده سوخته شدند.

در سال ۱۹۲۶م بار دیگر قائدان ملّی کشور ازجمله خانم سروجی نایدو[۱]، لاجپت رای[۲] و موتی لعل نهرو[۳] به این شهر توجه نمودند. در ۱۸ دسامبر همین سال، آزادی‌خواه معروف، رام پرساد بسمل[٤] را که در توطئه کاکوری[٥] دستگیرشده بود، در زندان همین شهر، توسط انگلیس‌ها به دار کشیده شد. در آخرین لحظه‌های زندگی، این کلمات به زبان ایشان جاری بود «من نابودی امپراتوری بریتانیا را می‌خواهم»

طبق گزارش مُوقّت سرشماری هند، جمعیت گورکهپور در سال ۲۰۱۱م ٤،٤٤٠،٨٩٥ نفر است. که تعداد مرد و زن به ترتیب ۲،۲۷۷،۷۷۷ و ۲،۱٦۳،۱۱۸ می‌باشد. امّا جمعیت شهری آن ٦۷۳،٤٤٦ (۳۵۳،۹۰۷ مرد و ۳۱۹،۵۳۹ زن) است.

---

۱. Sarojini Naidu

۲. Lajput Rai

۳. Moti lal Nehru

٤. Ram Prasad Bismil

٥. سرقت قطار کاکوری که آن را «توطئه کاکوری» نیز نامیده می‌شود. این حادثه ۹ اوت سال ۱۹۲۵م میان «کاکوری» و «عالم نگر» رخ‌داد. این توطئه علیه حکومت انگلیس‌ها بود. سربراهان آن «رام پرساد بسمل»، «اشفاق الله خان» و «روشن سنگ» بودند.

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

ایستگاه راه‌آهن[۱] این شهر، دفتر مرکزی (مرکز فرماندهی) راه‌آهن شمال شرقی هند است. در ٦ اکتبر ۲۰۱۳، گورکهپور، طولانی‌ترین ایستگاه راه‌آهن در جهان اعلام شده است که مساحت آن حدود ۱.۳۵ کیلومتر است.

گورکهپور از زمان امپراتوری مغول تا دوران حاضر، یکی از بزرگ‌ترین مراکز علمی، فرهنگی، ادبی و مذهبی بوده است. بسیاری از دانشمندان، شاعران، صوفیان و بزرگان دین ازجمله بابا راگهو داس[۲]، رام پرساد بسمل[۳]، بابو بندهو داس[٤] و فراق گورکهپوری[٥] مجنون گورکهپوری[٦] از همین سرزمین برخاسته‌اند. این شهر همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مراکز تمدن و فرهنگ هندوان یاد می‌شود.

---

۱. برای عکس ر.ک. به ضمایم.

۲. Baba Raghav Das، یکی از سیاست‌مداران نامور که در شهر پونه متولد شد اما تا آخرین زندگی خود در شهر گورکهپور اقامت داشت. او در هند به عنوان «گاندی شرقی» (Gandhi of Poorvanchal) شناخته می شود.

۳. Ram Prasad Bismil، یکی از آزادی خواهان که در شاه‌جهان پور متولد شد. به علت شورش علیه انگلیس‌ها در ۱۹ دسامبر سال ۱۹۲۷م در زندان همین شهر به دار کشیده شد.

٤. یکی از آزادی خواهان

٥. یکی از شاعران، منتقدان و مترجمان شهیر زبان اردو، اسم کامل او رگهوپتی سهای (Raghupati Sahai) بود. ت: ۲۸ اوت ۱۸۹٦م- د: مارس ۱۹۸۲م

٦. یکی از شاعران، محققان و منتقدان نامدار زبان اردو، اسم کامل او احمدْ صدیق بود. او در ۱۰ مه سال ۱۹۰٤م در شهر گورکهپور متولد شد و ٤ ژوئن سال ۱۹۸۸م در شهر کراچی (پاکستان) درگذشت.

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

امکانات اقتصادی، تجاری و فرهنگی و مذهبی گورکهپور آن را یکی از مهم‌ترین شهرهای ایالت اُتَّرپَردیش می‌سازد. اقتصاد شهر گورکهپور بر پایهٔ کشاورزی، دام‌پروری و صنایع‌دستی استواراست. مهم‌ترین فراورده‌های آن گندم، جو و میوه‌های گوناگونی است.

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

(متن کتاب)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

کیفیتِ اثرِ بلد و خاصیتِ آب‌وهوا و امراض که بیشتر حادث می‌شود.

سوادِ شهر گورکهپور داخل اقلیم ثالث و اسباب سماوی در این‌جا مقتضی حرارت به سبب این‌که شعاع شمسی به تمازت آفتاب و اتصال جبال شمالی با بخارات حجری و اشجار سمی منعکس‌شده بر سکان دامان کوه می‌افتد و هوای آن‌جا به اَبخرهٔ حارّه تا به این‌جا می‌رسد و هرقدر اتصال دامان کوه زیادتر[1]، احداثِ امراض حارّه بیشتر. و اسباب ارضی مقتضی رُطوبت و بُرودت که آب‌چاه نزدیک‌تر و زمین نمناک مشتمل بر جهیل[2] و ناله‌های[3] بسیار که در بعض مقامات در ایام برشکال[4] از طغیانی

---

۱. در اصل: زیاده‌تر

۲. دریای کوچک و دریای محدود و آبگیر و برکه، رودخانه

۳. مجرای فاضلاب، کانال فاضلاب

۴. موسم باران، در بهار عجم: لفظ هندی است، در هندی برس (ورش) به معنای بارش (باران) و کال به معنای وقت (غیاث اللغات و آنندراج)

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

سیلاب تا یک‌منزل برابر، به سواری کشتی توان رفت. و شهرِ هذا از دو طرف با دریا و از دو طرف با جنگل اتصال دارد که از تراکم اشجار جنگلی و باغات و دیگر اسباب ارضی هوای این‌جا متغیرشده مُحدثِ امراضِ بلغمی و رُطوبی می‌شود. و هرگاه حرارتِ سماوی با رُطوبتِ ارضی مُجتمع شد، باعث عفونتِ اخلاط و تغیّرِ مزاج می‌گردد. و به‌حسب استعداد، هر کس مُحدثِ امراضِ حارّه و بارده می‌شود. چنانچه در اَمزِجهٔ حارّه به سبب حرارتِ هوا[ی] جبلی و انعکاس شعاعِ شمسی، بیشتر امراضِ حارّه از غب[۱] خالص و غیر خالص و سودا[۲] و سرسام[۳] و احتراق و فسادِ خون و غیره حادث می‌شود. و در امزجهٔ بارده از تپِ بلغمی و ضعفِ اشتها و نزول و فتق[۴] و ورمِ گُلو و دردِ مَفاصِل پیدا می‌شود. و هرقدر اتصال جانب کوه زیادتر[۵]، حدوث امراض حارّه به سبب انعکاس شعاع شمسی با اَبخرهٔ جبلی در این‌جا اکثر، و به همین جهت در پرگنات[۶] دامانِ

---

۱. نوعی تب که یک روز در میان عارض می‌شود.

۲. مرض مالیخولیا، بیماری روانی که عوارض آن عبارت است از افسردگی شدید، توهّم، هذیان و مانند آن.

۳. مرضی باشد که در دماغ ورم پیدا می‌شود و خلل دماغ ظاهر می‌گردد و این مرکب است از «سر» به مَعنی رأس و «سام» به معنی ورم.

۴. مرض فتق که آن را به انگلیسی: Hernia می‌گویند.

۵. در اصل: زیاده‌تر

۶. جمع پرگنه، زمینی را گویند که از آن مال و خراج می‌گیرند (برهان)، زمینی را گویند که از آن خراج بستانند.

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

کوه از بتول[۱] و بخلول[۲] و غیره بیشتر تپ شدید به‌نوبت یک‌روزه با قشعریره[۳] و فساد خون حادث می‌شود. و در بعض پرگنات مثل پدرونه[۴] و غیره که آب نزدیک‌تر و رطوبت ارضی غالب، امراض رطوبی مثل ورم گلو و نزول چشم، و تپ بلغمی حادث می‌شود.

---

۱. Batwal

۲. Bakhlul

۳. تغییر حالتِ پوستِ بدن و جمع شدن آن، و راست شدن موهای بدن از شدت سرما یا علت دیگر.

۴. Padrauna

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

احوال عمل‌داری اهل اسلام

از اهل اسلام اول کسی که در این ملک فرمان‌روا شد، حضرت سالار مسعود غازی[۱] بودند که بعد فتح این ملک تا دیار بنارس[۲] و جون‌پور[۳] خطبه و سکه به‌نام سلطان محمود غزنوی حال خود رواج دادند. چون سلطان محمود غزنوی در سنهٔ چهارصد [و] بیست‌ویک هجری در غزنی فوت کردند، کُفّار هند خیره شده، از حضرت سالار بی‌ادبی‌ها می‌کردند. و

---

۱. سید سالار مسعود غازی در سال ۴۵۹ ق/ ۱۰۶۶م با قومی که در صوبهٔ اوده زندگی می‌کردند، مقاومت نمودند و پس از سلطهٔ مسلمانان در این سرزمین سکونت گزیدند. (ر.ک.: گذشته لکهنو، ص ۲۱)

۲. بنارس یا وارانسی، شهری بر کرانهٔ چپ رود گنگ در جنوب شرقی ایالت اُتَرپردیشِ هند است. این شهر از مراکز دینی هندوان است.

۳. Jaunpur، شهری در ایالت اتَرپردیش، بنیان‌گذار سلطنتِ شرقی شهر جون‌پور، ملک‌الشرق سرور خواجه جهان بود که در سال ۷۹۶ ق/ ۱۳۹۴م این سلطنت را تأسیس کرد. او در عهد فیروز شاه تغلق رئیس خواجه‌سراها بود. در عهد ناصرالدین محمود پسر فیروز شاه تغلق، به منصب وزارت رسید. پادشاه به او لقب ملک‌الشرق داد و منطقه‌های قنوج تا بیهار به او واگذار کرد. شهر جون‌پور نیز در این منطقه شمولیت داشت. او باتدبیر و استعداد انتظامی خود بر همهٔ منطقه تسلط پیدا کرد و شهر جون‌پور را پای‌تخت خود قرارداد. (فقهای هند، [اردو] ج ۲، ص ۵۴)

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

چون هم در آن سال سید شاه معروف والد بزرگوار ایشان که در سترکهه[۱] بودند، انتقال فرمودند[۲]. هنود زیادتر[۳] خیره شده نه لک[۴] کس از اطراف کرا مَانَک‌پُور[۵] و غیره و بهرائچ جمع گردیده از حضرت سالار درخواست کردند که از این ملک جانی به‌سلامت برند. حضرت ایشان با دوازده هزار کس معرکه آراستند و قریب چهار روز جنگ شمشیر و نیزه گرم بود. روز پنج‌شنبه قریب سه پهر[۶]، سنهٔ چهارصد [و] بیست‌وپنج هجری در عمر بیست‌ویک سال به زخم‌های شمشیر و نیزه و تیر و غیره شهادت یافتند. توابع آن حضرت که تا بنارس متفرق بودند، یک‌یک به‌جاهای خود شهید شدند و باز حکومتِ این دیار به راجه‌هایی[۷] منتقل شد. و سنهٔ پانصد[و] نودوشش هجری سلطان شهاب‌الدین غوری[۸] از غزنین به هند آمد و ولایت قنوج[۹] را که گورکهپور هم در آن ایّام از توابع آن بود، مفتوح ساخت. و قطب‌الدین ایبک ترکی نژاد[۱۰] را از طرف خود سلطنت دهلی

---

۱. Satarkha، نام جایی
۲. از دنیا رفتند.
۳. در اصل: زیاده‌تر
۴. صد هزار، Lac
۵. Kada Manak Pur
۶. بعد از ظهر
۷. در اصل: براجهایی
۸. حک: ۱۱۷۵م تا ۱۲۰۶م
۹. Kannauj، منطقه‌ای در ایالتِ اترپردیش که از شهر کان‌پور ۸۴ کیلومتر فاصله دارد.
۱۰. حک: ۱۲۰۶ تا ۱۲۱۰م

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

داده، به غزنین مراجعت کرد. از آن هنگام گورکهپور، در تصرف سلاطین دهلی یعنی سلطان شمس‌الدین التمش[۱] و الغ‌خان[۲] و معزالدین کیقباد[۳] و علاءالدین بن شهاب‌الدین[۴] و سلطان غیاث‌الدین بلبن تغلق‌شاه غازی[۵] و سلطان فیروز شاه[۶] ماند. چون سلطان فیروز شاه که از پادشاهان دهلی بود، به سبب ضعف و ناتوانی، متحمل امر خطیر سلطنت نمی‌توانست شد، محمدخان پسر خود را مخاطب به ناصرالدین نموده، در سنه هفت‌صد [و] نود سلطنت دهلی به او ارزانی داشت. و او سه سال پادشاهی کرد و در عهد خویش ملک سیر خواجه‌سرا[۷] را که مرد فرزانه و نیک نهاد بود و خان

---

۱. حک: ۱۲۱۱ تا ۱۲۳۵ میلادی، جای حک: دهلی.

۲. الغ‌خان یا الماس‌بیگ یا الغ‌خان خلجی، یکی از برادران علاءالدین خلجی بود. او در فوریه سال ۱۲۹۸ میلادی گروه بزرگی از مهاجمان مغول را در پنجاب شکست داد و با موفقیت دودمان خلجی را از حملهٔ مغول دفاع کرد.

۳. حک: ۱۲۸۷ تا ۱٤ اکتبر ۱۲۹۰ میلادی، سلطان دهم از سلسلهٔ سلاطین‌مملوک (برده) بود. او پسر بغراخان، سلطان مستقل بنگال آن زمان، و همچنین نوهٔ غیاث‌الدین بلبن بود که پس از مرگ او به سلطنت دهلی رسید. در سال ۱۲۹۰ میلادی به دست سرداران خلجی کشته شد.

۴. حک: ۱۲۹٦ تا ۱۳۱٦ میلادی، نام اصلی او گرشاسپ خلجی بود. او دومین سلطان دودمان خلجی بود و به‌عنوان قدرت‌مندترین سلطان سلسلهٔ خلجی شناخته می‌شود.

۵. بنیان‌گذار و نخستین حاکم از امپراتوری تغلق که به‌عنوان غازی‌ملک یا شاه‌غازی شناخته شد، حک: ۸ سپتامبر ۱۳۲۰ تا فوریه ۱۳۲۵ میلادی، جای حک: دهلی. یا چهارمین سلطان سلسلهٔ تغلق باشد. حک: ۱۳۸۸ تا ۱٤۱۳م، جای حک: دهلی. امّا اوّل درست‌تر به نظر می‌رسد چون مؤلف بعدازآن اسم فیروز شاه آورده است.

۶. حک: ۱۳۵۱ تا ۲۰ سپتامبر ۱۳۸۸م، جای حک: دهلی، اسم کامل: ملک فیروز بن ملک رجب.

۷. تفصیل آن در صفحهٔ ۱٦ گذشت.

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

جهان خطاب داشت و ملک قنوج بدو مُفوض بود، سلطان شرقی خطاب کرده به جون‌پور که از آثار فیروز شاه است، فرستاد. و هم در عهد ریاست خان جهان بر ملک قنوج حضرت صاحبقران امیر تیمور در سنهٔ هشت‌صد در دهلی آمده، سلطان محمود نبیرهٔ فیروز شاه دملو اقبال خان[۱] را که آخرها موسوم به بهلول سلطان شد، شکست داده. بعد قتل و غارت دهلی اکابر شهر را به ملازمت طلب داشته، نام سلاطین افاغنه[۲] از خطبه برانداخت و به وثیقه‌نامهٔ سید شریف جرجانی، خود را مُجدِّد دین‌محمدی علیه الصلوة والسلام علی الله قرار داده، خطبه و سکه به نام خود رواج داده. بعد پانزده روز به ولایت خویش مُعاودت نمود. و در سنهٔ هشت‌صد و هفت در یورش خطا به سرحد ترکستان درگذشت. و این ملک از عهد خان جهان به سلطنت شرقی منسوب شد. چون روزگارش بسر آمد، مبارک شاه به سلطنت نشسته، خطبه و سکه به نام خود رواج داد. سلطان بهلول این خبر شنیده از دهلی به پیکارش روانه شده،[۳] در ساحل گنگ مصاف[۴] داده و کاری ناکرده برگشت و [از] خون سلطان مبارک درگذشت. ابراهیم کهین برادر او را به مَرزبانیِ شرقی دیار برداشتند. او داد

---

۱. بهلول خان ابن کالا خان، حک: ۱۴۵۱م تا ۱۴۸۹م، جای حک: دهلی.
۲. جمع افغان که قومی معروف است، افغان‌ها
۳. در اصل: روان شده
۴. مصاف دادن به معنی جنگ کردن؛ نبرد کردن.

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

دانش‌پژوهی داد. ملک‌العلما قاضی شهاب‌الدین جون‌پوری[1] در عهد او مأمور گشت. چون پیمانهٔ عمرش لبریز شد، بهیکن خان بزرگ‌پور او را، سلطان محمود نام نهاده، به سلطنت برآوردند. چون شایستهٔ کردار نبود، باز معزول گردید. و حسین، برادرش به حکومت قائم شد.[2] و او به‌وفور جاه و حَشَم مغرورشده، با بهلول، سلطان دهلی کارزار کرد و مُنهزم شد. سلطان بهلول، باربک‌شاه پسر خود را در جُون‌پور قائم کرد.[3] و چون سلطان بهلول درگذشت، باز سلطان حسین به‌اتفاق باربک شاه لشکرها فراهم کرده، چند بار به دهلی رفت و کاری از پیش نبرد و سلطنت شرقیان بدو سپری‌شد. و در دهلی بعد بهلول، سکندر علاءالدین لودی[4] بادشاه شد. و این ملک هم به او تعلق گرفت. بعده سلطان ابراهیم‌لودی[5] در دهلی فرمان‌روا شد. و در ارزانی اشیا آن‌قدر کوشیده که به انتفاع عهد علاءالدین غوری برابر شد بلکه در عهد علاءالدین غوری ضبط و ربط و شد [و] آمد بسیار بودند. در عهد ابراهیم سهولیت و آسانی برای همه‌کس بود. چنانچه ارزانی عهد او، اهل تواریخ از نوادر شمرده‌اند. و در سنهٔ نه‌صد و سی هجری در جنگ

---

[1]. یکی از عالمان بانفوذ این منطقه

[2]. مُقرر گشت.

[3]. منصوب کرد، مقرر کرد.

[4]. نام کامل: نظام خان ابن بهلول خان، حک و جای حک: ١٤٨٩ تا ١٥١٧م، دهلی

[5] نام کامل: ابراهیم‌خان ابن نظام خان، حک و جای حک: ١٥١٧ تا ١٥٢٦م، دهلی

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

ظهیرالدین بابر شاه[۱] در قصبهٔ پانی پت[۲] به قتل رسید. و بعد از بابر، نصیرالدین همایون[۳] بادشاه شدند.

در عهد ایشان در سنهٔ نه‌صد [و] چهل‌وهفت شیر خان افغان[۴] از صوبهٔ بهار خروج کرد. دو جنگ واقع‌شد. یکی مابین بکسر[۵] و یکی در حوالی قنوج. هر دو جا هزیمت به فوج بادشاهی رسید. و حضرت بادشاه مُتوجه ایران شدند. و سلطنت هندوستان به شیرخان‌افغان قرار گرفت. چون او نماند، سلیم شاه برادرش فرمان‌روا شد. پس از او عادل شاه پسرش که از کمال غفلت او را اندهیلی شاه می‌گفتند، بر تخت نشست. وزیرش هیمون بقّال مردِ عاقل بود لاکن هرگاه عادل شاه به دکن متوجه شدند، هیمون بقّال خود را بکرماجیت خطاب کرده، در دهلی فرمان‌روائی می‌کرد که از تأیید ایزدی در سنهٔ نُه‌صد [و] شصت‌وسه جلال‌الدین محمد اکبر بادشاه‌غازی[۶] به عمر چهارده‌سالگی به رهنمونیِ بیرام‌خان[۱] فوج افاغنه را که

---

۱. حک: ۱۵۲۶ تا ۱۵۳۰م

۲. Panipat، نام شهری در ایالت هریانه که از دهلی ۸۶ کیلومتر فاصله دارد.

۳. حک: ۱۵۳۰ تا ۱۵۴۰م

۴. حک: ۱۷ مه ۱۵۴۰ تا ۲۲ مه ۱۵۴۵م، اسم اصلی آن فرید خان بوده و به نام شیر شاه سوری شناخته شد.

۵. Buxer، یکی از شهرهای ایالت بیهار که از پتنا (پای‌تخت ایالت بیهار) ۱۰۸ کیلومتر فاصله دارد.

۶. حک: ۱۵۵۶ تا ۱۶۰۵م

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

در آن جماعت هیمون مسطور سرلشکر بود، شکست داده و به قتل آورده. و خطبه و سکه باز به نام خود رواج دادند. و نام سلاطین افاغنه باز از خطبه برآورده شد. از آن هنگام حکومت این ملک به تصرفِ اولیای دولت تیموریه منسوب‌ماند، تا این‌که در عهد محمدشاه بادشاه غازی[۲] صوبهٔ اوده به صوبه‌داری برهان‌الملک سعادت خان[۳] تفویض یافت. و چون سعادت خان در جنگ نادرشاه کُشته‌شد، ایالت صوبهٔ اوده به صفدر جنگ ابوالمنصور خان[۴]، دامادِ او قرار یافت. و هرگاه به دفعهٔاول احمدشاه دُرّانی به هند آمد، ابوالمنصورخان مصدر ترددات نمایان شد. و احمدشاه دُرّانی را به‌اتفاق جماعهٔ تورانی شکست داده. و هم در آن اثنا محمدشاه پادشاه غازی انتقال فرمودند. و احمدشاه بادشاه[۵] خلف محمدشاه، بادشاه شدند.

---

۱. یکی از سرداران ترکی نژاد که از اهالی بخارا بود. اولاً در عهد بابر و بعد همایون نگه‌دارنده و فرمانده بود و در عهد اکبر شاه دارندهٔ سپید و سیاه بود. در گجرات در سال ۱۵۶۱م کشته شد.

۲. محمدشاه معروف به محمدشاه رنگیلا، چهاردهمین پادشاه از امپراتوری مغول، حک: ۱۷۱۹ تا ۱۷۴۸م.

۳. جلوس: ۱۱۳۰ق/ ۱۷۱۷م د: ۱۱۵۱ق/ ۱۷۳۸م، اسم اصلی او، محمدامین سعادت خان است. از پسرانِ امام موسی کاظم علیه‌السلام و از اهالی نیشابور بود. در عهد شاه عالم بهادر وطن خود را ترک گفته به هندوستان آمد و در دربار مغول استخدام نمود. محمدشاه در سال ۱۱۳۰ق/ ۱۷۲۷م او را صوبه‌دار اوده مُقرر کرد. (سکه‌جات شاهان اوده، ص۱-۲)

۴. یکی از نوابان اوده که به‌عنوان صفدر جنگ نیز شناخته‌شده، حک: ۱۹ مارس ۱۷۳۹ تا ۵ اکتبر ۱۷۵۴م.

۵. احمدشاه، پانزدهمین پادشاه از امپراتوری مغول، حک: ۱۷۴۸ تا ۱۷۵۴ میلادی.

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

ابوالمنصور خان به وزارت سرفرازی یافتند. چون احکام تیموریه ضعیف شدند، نول‌رای سپه‌سالار ابوالمنصورخان که به صوبهٔ اوده بود با افغانان فرخ‌آباد جنگ انداخت. او کشته‌شده، و تمامی ملک ابوالمنصور خان به تصرفِ افاغنه درآمد. در آن هنگام نواب محمد مُعزّالدّین خان شیخ‌زادهٔ لکهنو با جماعهٔ قوم خود به نیابتِ صفدر جنگ از لکهنو خروج کرده، راجه‌های این ملک را که سر به شورش برداشته بودند، مالش واقعی داد. و درٌ پدرونه به زخم شمشیر مجروح شد. و چون نواب ابوالمنصور خان با سامان وزارت خویش از شاه‌جهان‌آباد آمده، باز از افاغنه شکست یافته، به دهلی رفت. و هیچ‌کس را لایق مقابلهٔ افاغنه نیافت. ناچار ملهاراو هولکر[1] را به مدد[2] طلبیده، افاغنه را شکست داده باز بر ملک خود قابض گشت. بعد فوت او، شجاع‌الدوله[3] به مسند حکومت اوده نشست. و حسب العرض محمدقلی خان خلعت وزارت هم به نواب شجاع‌الدوله بهادر از حضور مرزا عالی گوهر[4] شاهزادهٔ عالمیان عنایت شد. و ایالت صوبهٔ اوده به دستور بود. چون نواب شجاع الدوله خلاف رای بادشاه در بکسر با

---

۱. Mallha Rao Holkar، نام شخصی

۲. کمک

۳. جلال‌الدین حیدر شجاع الدوله وزیرالممالک هزبر جنگ، جلوس: ۱۱۶۷ق/ ۱۷۵٤م- د: ۱۱۸۸ق/ ۱۷۷۵م، فیض‌آباد.

۴. شاه عالم ثانی عالی گوهر پسر عالم‌گیر ثانی، جلوس: ۲ جمادی‌الاول ۱۱۷۳/ ۲۵ دسامبر ۱۷۵۹م- د: ۷ رمضان ۱۲۲۱ق/ ۱۸ نوامبر ۱۸۰۶م

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

صاحبان انگریز[۱] جنگ کرده، شکست یافتند و متوجه فرخ‌آباد شدند. در این ملک مظفّرالدّوله ابوالبرکات خان که حاکم این ملک بودند، در حدود سلیم‌پور و غیره با فوج انگریزی[۲] مقابل شدند. و تا بیسواره[۳] و چهپره[۴] تاخت کرده، راجه اجیت سنگه[۵] را که معاندِ ریاست نواب بود، به قتل آوردند. الغرض در غیبت نواب، ایشان به حفاظت نام و ننگ منت خود کوشیدند. چون نواب شجاع‌الدوله به وساطت منیر الدوله و میر منعم خان از صاحبان انگریز عهد و میثاق به میان آوردند و معرفت صاحبان انگریز در سنهٔ یازده صد [و] هشتادوهفت هجری به حضور حضرت شاه عالم بادشاه غازی فایز شدند، فرمان التمغای‌لکهنو و صوبهٔ اوده عنایت شد. از آن هنگام به ذریعهٔ التمغای در سرکار نواب وزیر نامدار تا این‌که نواب یمین الدوله سعادت علی‌خان بهادر[۶] این ملک را با اهالی سرکار کمپنی انگریز بهادر تفویض کردند. از آن‌وقت به ملک مفوضه موسوم است.

---

۱. انگلیس‌ها
۲. انگلیسی
۳. Biswara
۴. Chapra
۵. Raja Ajeet Singh، نام شخصی
۶. حکمران اوده، جلوس: ۱۲۱۲ق/ ۱۷۹۸م- د: ۱۲۲۹ق/ ۱۸۱۴م

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

احوال سکان این‌جا و از اهل قبور مشایخ وغیرهم

از سکان این ضلع هنودان بیشتر و اهل اسلام کمتر، و اکثر دیهات[۱] این‌جا زمین‌داری راجپوتان[۲] و برهمنان[۳] است و سوای از آن، از قوم دیگر و مسلمانان به‌قدر رُبع حصه هم نخواهند بود و مردم نامدار به سبب اتصال دامان کوه کمتر قصد سکونت این جوار کرده‌اند. هرچند علما و فقرا در این شهر بوده‌اند، لیکن از علمای نامی کسی صاحب تصنیف آن قسم پیدا نشد که کتاب او را درس نمایند و از اهل قبور هیچ‌کس [از] آن قسم نیست که مردم اضلاع[۴] دیگر به زیارتش آیند، مگر قبور چند شهدا، در سواد این شهر و در بعضی از پرگنات متعلقه آن مشهور و معروف است.

---

۱. روستا، ده

۲. جمع راجپوت، (Rajput) به معنای پسرهای راجه‌ها، یکی از گروه‌های بزرگ هندو در شبه قارهٔهند، به ویژه شمال هندوستان است. شهرت آنان بیشتر در سربازی و جنگ‌آوری است.

۳. Brahman، برهمن از واژه‌های زبان هندی که به معنای پیشوا و روحانی برهمایی است. طبقهٔ برهمنان از قدیم برجسته‌ترین طبقه، در میان گروه‌های مردم در هندوستان بوده‌اند.

۴. جمع ضلع به معنای شهر، شهرها

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

هرچند احوال شهادت ایشان در کتاب مسطور نیست مگر از قراین حال شهیدان هندوستان واضح که هرگاه در سنه چهارصد [و] بیست و یک هجری سید سالار مسعود غازی رحمت‌الله علیه همشیر زادهٔ سلطان محمود غزنوی برای غزا[۱] در هندوستان آمدند و همراهیان ایشان، در اضلاع و اقطار متفرق گردیدند. بعد چهار پنج سال خبر فوت بادشاه محمود غزنوی رسید. راجپوتان از هر چهار طرف شورش و بلوا[۲] کردند همراهیان ایشان هر جا که بودند همان‌جا شهید شدند. غالب که این شهدا نیز از همان وقت خواهند بود و در فرقهٔ هنودان شخصی جوگی اهل کسب و ریاضت موسوم به «گورکه ناته» بوده است. سابق از این بعضی از صوبه‌داران اهل اسلام مکان مندف[۳] او را از محلهٔ رسول‌پور برداشته دادند و محلهٔ رسول‌پور در آن‌جا آباد شد، تا در محلهٔ گورکهپورِ کهنه بردند. بعدازآن در عهد صوبه‌داری نواب فدائی خان زمان سلطنت بادشاه عالم‌گیر از آن‌جا هم موقوف ساخته، قریب از آن به‌طرف شمال که تا حال در آن‌جاست، بردند. و آن زمین به مفتی محمدحسین عنایت شد. چنانچه باغ و مسجد ایشان هنوز در آن‌جا موجود است. و قلعهٔ این شهر را که بالفعل در آن‌جا کچهری[۴] نظامت می‌شود، به‌حکم معظّم شاه[۱] مُلقّب به بهادر شاه

---

۱. غزوه
۲. هم‌معنای شورش
۳. عمارت کلاه‌فرنگی
۴. دادگاه

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

ابن بادشاه عالم‌گیر بنا نموده، این شهر را معظّم‌آباد موسوم ساختند فقط. و سابق از این در عهد بادشاه عالم‌گیر از امرای این جوار قاضی خلیل‌الرحمن ساکن پرگنهٔ مگهر[۲] چکله‌دار[۳] این ضلع تا مدّت کثیر بوده است، که مسجد کلان‌شهر و کُوتله[۴] (کوٹلہ)، واقع قلعه و خلیل‌آباد متصل مگهر بنا نمودهٔ اوست.

---

۱. قطب‌الدین بهادر شاه اول، جلوس: ۲۸ ذی‌قعده ۱۱۱۸ق/ ۲۱ فوریه ۱۷۰۷م- د: ۱۱ محرم ۱۱۲٤ق/ ۱۸ فوریه ۱۷۱۲م

۲. این منطقه در حال حاضر در شهر سَنت‌کبیر نگر است.

۳. جاگیردار، دارندهٔ زمین

٤. Kotla

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

احوال حاکمان سلف به قید سال عَزل و نَصب و دیگر عدالت تاجوران‌ها و طریق عمل‌داری آن‌ها و ذکر بعضی از راجه‌ها[1]

در زمان سلف ریاست و راج سواد این شهر از قوم دوم بوده است. چنانچه نشان قلعه‌های ایشان از بیتال گره[2] و رام گره[3] و بیدیا گره[4] و دومن گره[5] و غیره در اطراف این شهر تا حال موجود، و در دیهات قوم تهاروان یعنی مردم کوهی قسمی که الحال در دامان کوه آباد هستند، سکونت می‌داشتند. بازارِ بتول[6] برای فروخت اشیای کوهی در گورکهپور می‌شد. از هنگام قیام حاکم اهل اسلام بازار و سکونت تهاروان از این‌جا به‌تدریج موقوف‌شده، حالا در ترائی[7] باقی است. چند کس از راجپوتانِ سربسنت،

---

۱. در اصل: راجها
۲. Betal Garh
۳. Ram Garh
۴. Bedia Garh
۵. Doman Garh
۶. Batwal
۷. درّه، وادی، میان کوه

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

ساکن سری نگر[۱] قلع‌وقمع آن‌ها نموده، مُتسلّط شدند که تا حال به راجهٔ گورکهپوری معروف. چنانچه بعضی از اولادش از همان وقت بر زمین‌داری[۲] بعضی از دیهات پرگنهٔ سلهت[۳] (سلہٹ) و پرگنهٔ حویلی[۴] گورکهپور متسلط و اکثر بر تهاور پرگنه حویلی گورکهپور و سلهت به‌موجب سند راجه گورکهپوری قابض و متصرف هستند. بعدازاین در عهد بادشاه اکبر اجداد تعلقه‌دار گج‌پور[۵] که ساکن قدیم پرگنهٔ بهواپاره[۶] بوده است، به معاونت برادران خود بر راجهٔ گورکهپوری غالب آمد. قلع‌وقمع آن‌ها در عرصه چند پست کرده، زمین‌داری[۷] حویلی گورکهپور و سلهت به دخل خودها آوردند که تا حال به تصرفِ اولادِ آن‌ها موجود فقط. و از راجه‌های[۸] این چکله، در زمانِ سلف راجه مجهولی شخص رئیس و صاحب نوبت بود و در پرگنهٔ بانسی[۹] راجه رنجیت‌سنگه و راجه دلجیت‌سنگه برادران علاقی بودند. در ۱۲۶۶ فصلی با خودها جنگیده،

---

۱. Srinagar پای‌تخت تابستانی جمون و کشمیر
۲. در اصل: زمیداری
۳. Salhat
۴. عمارت بزرگ، عمارت چند دستگاهی
۵. Gajpur
۶. Bahua Para
۷. در اصل: زمیداری
۸. در اصل: راجها
۹. Bansi

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

کشته شدند. بعدازآن راجه سربجیت‌سنگه پسر راجه دلجیت‌سنگه را که صغیر سن بود، بر راج نشانیدند. و در این عرصه راجه ظالم‌سنگه راجهٔ امودہ[۱](اموڈہ)، شخصِ زبردست اولوالعزم باهنر پیداشده بود که کارهای نمایان از وی به وقوع آمده. نواب شجاع‌الدّوله اکثر مُتوجه گرفتاریِ او بودند، دستیاب نشد. در عمل‌داری خواجه عین‌الدین فوت کرد و راجه فتح ساهی راجه مانک‌جوگن همیشه از چکله‌داران این ضلع در جنگ روپوش می‌بود. و به وجه علاقه‌اش که در ضلع چهپره عمل سرکار بوده است، گاه‌گاه به مقابلهٔ سپاهیان انگریزی جنگ هم کرده‌است فقط. و در عهد صوبه‌داری نواب ابوالمنصور خان در ۱۱۵۱ فصلی میر خدا یار خان، که کترهٔ[۲] ایشان در لکهنو موجود، چکله‌دار این ضلع شد و تا چند سال ماند. شخص باخدا و فقیر دوست و عادل و زبردست بود که آبادی ملک و قلع‌وقمع اکثر مُفسدان در عهد ایشان گردید.

بعدازاین عاملانِ مختلف که از آن‌ها میر باقر و رام‌نراین[۳] و مُعزّالدّین خان مشهورند، به چکله‌داری این ضلع منسوب‌شده، آمده. چنانچه در عهد چکله‌داری معزالدین خان شیخ‌زادهٔ لکهنو به تخریب زمین‌داران پدهیا

---

۱. Amodah

۲. کوچهٔ احاطه‌شده توسط خانه‌ها، کوچه‌ای که در مقابل آن بسته باشد و راهِ خروج از سمت چپ و راست باشد.

۳. Ram Narain

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

باره[۱] (پڈھیاباڑہ) و پدرونه (پڈرونہ) که سر به شورش برداشته بودند، واقع شد. بعدازاین در ۱۱۷۲ فصلی نواب شجاع‌الدّوله به محاربهٔ صاحبانِ انگریز در بکسر شکست یافتند. ازاین‌جهت زمین‌داران[۲] از هر طرف سر به شورش برداشته، به غارت‌گری می‌پرداختند و در این‌جا غدر بود. چنانچه در همان سال راجه سنومان‌سنگه[۳] برادر کلانی پهلوان‌سنگه[۴] متوفی راجهٔ گورکهپور در این شهر آمده، زرهایِ خطیر به‌طور مصادره از رعایا گرفت. مردم اهل اسلام تنگ آمده، به‌طور غزا[۵] برای محاربهٔ او مجتمع گشتند، تا فرار شد. و بعد از شکستِ بکسر سه سال، من ابتدای ۱۱۷۳ فصلی تا ۱۱۷۵ فصلی نواب فضل علی‌خان غازی‌پوری ناظم این چکله شد. او ظلم بسیار کرد و مبالغ خطیر قریب [به] بیست‌وهشت لک[۶] روپیه به‌حساب فی بیگه از پنج روپیه تا پانزده روپیه از این چکله تحصیل کرد[۷] تا این ضلع ویران شد که بعضی از ویرانی آن‌وقت تا هنوز آباد نشد. و در ۱۱۷۶ فصلی راجه صورت‌سنگه[۸] دیوان کل از حضور نواب شجاع‌الدّوله برای انتظام این

---

۱. Padhia Bara
۲. در اصل: زمیداران
۳. Sanuman Singh
۴. Pahlawan Singh
۵. جنگ و پیکار
۶. Lac، برابر با صد هزار
۷. به‌دست‌آورد.
۸. Surat Singh

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

علاقه آمد. از طرف او دو سال خواه چهار سال عاملان مختلف مُقرر بودند. چنانچه در پرگنهٔ گورکهپور و بهوا پاره و پرگنهٔ سلهت هادی خان نامی رساله‌دار[۱]، و در پرگنهٔ بانسی و پرگنهٔ رسول‌پورغوث و سیتارام‌کهتری[۲] و در پرگنهٔ اموده و پرگنهٔ بستی و پرگنهٔ مَگهر و پرگنهٔ مهولی[۳] راجه اهلادسنگه[۴] و در پرگنهٔ مجهولی و پرگنهٔ سدهوه‌جوتیه و غیره ستیارام کایسته مقرر بود. در همین ایّام یعنی در ۱۱۷۶ و ۱۱۷۷ فصلی قحط‌سالی عظیم واقع شد. زیادتر[۵] باعث ویرانی این ملک گردید و مردم این‌جا بیشتر از آن‌وقت در دامان کوه یعنی بتول و چهارن[۶] رفته آباد شدند. چنانچه اکثر دیهات ویرانی آن‌وقت الحال در عمل‌داری سرکار آباد شده، و بعضی تا حال ویران است. و در همین اثنا یعنی در ۱۱۷۷ فصلی عهد چکله‌داری راجه صورت‌سنگه بالکل دیهات معافی این ضلع و دیگر ممالک نواب وزیر به‌حکم نواب شجاع الدوله بهادر به ضبطی درآمد. و بعدازاین بعضی دیهه به‌موجب شد [و] آمد قدیم و اکثر دیهات جدید در عهد نواب آصف بهادر واگذاشت و معاف گردید. و در ۱۱۸۰ فصلی

---

۱. کسی که زیر فرمان او رساله بود، به عربی آن را قائد گویند. (از آنندراج). سرهنگ و سردار سواران . (ناظم الاطباء)

۲. Sita Ram Khatri

۳. نام‌های جاها

۴. Raja Ahlad Singh

۵. در اصل: زیاده‌تر

۶. ممکن است شهر کنونی چمپارن باشد.

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

خواجه الماس عامل شد. و در همین سال نواب شجاع الدوله بهادر رخت اقامت به دارالبقا کشید، و نواب آصف‌الدّوله بهادر مسندِ وزارت آراست. و بعدازاین در ۱۱۸۳ فصلی نواب سید محمدخان برادر مختارالدّوله و در ۱۱۸٤ فصلی محمد سعید خان قندهاری ناظم این چکله گردید. شخصِ عادل و زیردست بود. در عهد او کِیشُورَای[۱] تعلق‌دار پدرونه تاخت و تاراج گردید. از ۱۱۸۵ تا ۱۱۸۸ فصلی چکله‌داری سرکار گورکهپور و بهرائچ به میجرهالی صاحب مُفوّض بود. پندت سوبهامن‌دیوان راجه سَنَّاسِی[۲] مشیر و مختار سرکار ایشان بوده است. و از طرف ایشان میرزا بخش الله بیگ ناظم بهرائچ و محمد شفیع خان ناظمِ چکلهٔ گورکهپور بوده‌اند. در آن عهد اکثر زمین‌داران و راجه‌ها اسیر و مُقیّد گردیدند و جمع بسیار سنگین گرفته شد تا هرقدر دیهات که از ایام گرانی تا عهد ایشان آباد شده و دیهات دیگر به سبب سخت‌گیری ایشان ویران شد. و چون اکثر زمین‌داران از سرکار بهرائچ و سرکار گورکهپور در مکان کوتله واقع قلعهٔ گورکهپور مقیّد بوده‌اند و در آخر عمل‌داری ایشان در ۱۱۸۸ فصلی، در همان روزها که نواب آصف الدوله بهادر برای معاونت نواب گورنر مستر هستن[۳] صاحب بهادر، متوجه تدارک جیت‌سنگه[٤] راجهٔ بنارس شدند. زمین‌دارانِ نواح

---

۱. Keshu Rai نام شخصی
۲. Raja Sannasi نام شخصی
۳. Mister Hesten
٤. Jeet Singh

SECRETARY
Kashmir Research Institute
Srein Srinagar Kashmir-19112

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

مجتمع گشته، بر قلعهٔ گورکهپور واکه افتاد تا یک‌پاس روز گولی‌هایی[۱] از هر دو جانب سر می‌شد. بعدازآن از اتفاقات یک تا دوپهر[۲] سپاهیان از هیچ‌یک طرف در این‌جا رسیدند و مشهور گردید که کپتان[۳] صاحب می‌آیند. زمین‌داران به‌مجرد استماع این معنی فرار شدند و همان روز اندرون کوتله[۴] اکثر محبوسان را به قتل رسانیدند. و بعدازاین مصطفی خان راجهٔ نانپاره[۵] را نیز به‌حکم میجر صاحب کشتند. و در ۱۱۸۹ فصلی راجه صورت‌سنگه دیوان حضور نواب‌وزیر نامدار دیگر به چکله‌داری این ضلع منسوب‌شده، آمد؛ و در ۱۱۹۰ فصلی عبدالله بیگ مخدوم چکله‌دار مقرر شده، آمد. و در مابین سال از دست سواران کشته شد. و در ۱۱۹۱ فصلی محمد شفیع خان عامل شد، و در این سال قحط‌سالی عظیم واقع گردید که اکثر مردم از گرسنگی هلاک، و اکثر خانه‌ها[۶] و دیهات ویران‌شد. و اثر آن تا سه سال مانده، که در این عرصه بیشتر ساکنان این ضلع به‌طرف چهارن و ترائی رفتند. و در ۱۱۹۲ و ۱۱۹۳ فصلی اسماعیل‌بیگ خان و نقی‌بیگ خان ناظم بوده است. بعدازاین از ۱۱۹٤ فصلی تا ۱۱۹۷ فصلی حکومت

---

۱. گلوله‌ها
۲. بعد از ظهر
۳. Captan
٤. Kotla
۵. Nanpara ، نام جایی
۶. در اصل: خانها

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

چکلهٔ اعظم‌گره و چکلهٔ گورکهپور به خواجه عین‌الدین مولائی مُفوض بود. مرد بسیار سخی که در سخاوت و شجاعت و عدالت مشهور و معروف بود. فقرای بسیار جوق [در] جوق همراه او می‌ماندند. هرروز به آن‌ها خیرات‌می‌داد و در مُحرّم هیچ‌یک چیز پیش خود باقی نمی‌داشت. مگر اندکی[۱] ظالم و سخت‌گیر هم بوده است. چنانچه در عهد چکله‌داری او مردمان بی خوف و خطر از دزدان و قطاع‌الطریقان[۲] و مفسدان زندگانی‌می‌کردند، بلکه مشهور بود که مردمان هنگام شب دروازه[۳] واکرده خسبیده باشند. و چکلهٔ اعظم‌گره[۴] که از مدّت ده دوازده سال به چکله‌داری چکله‌داری میرزا عطابیگ خان برادر حیدربیگ خان، بسیار آباد شده بود. در یک سال مبلغ هیجده لک روپیه از آن چکله تحصیل کرد، و همین قسم از چکلهٔ گورکهپور تا هشت لک روپیه در بعضی سال گرفت. و در ۱۱۹۸ فصلی و ۱۱۹۹ فصلی راجه سیتل‌پرشاد درامدین[۵] و راجه بهوانی‌پرشاد[۶] ناظم چکلهٔ گورکهپور و اعظم‌گره شدند. و بعدازاین به چکلهٔ گورکهپور در ۱۲۰۰ فصلی بشندت[۷] و کلّوبیگ[۱]، در ۱۲۰۱ فصلی و ۱۲۰۲ فصلی خواجهٔ

---

۱. در اصلْ: اندگی
۲. راه‌زنان
۳. به معنای در
۴. Azamgarh
۵. Sital Prasad Daramadin
۶. Bhawani Prasad
۷. Bishnu Dutta

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

سخاوت الله عامل بوده است. و از ۱۲۰۳ لغایت ۱۲۰۵ فصلی راجه بنوارسنگه چکله‌دار مقرر بود. و در زمان چکله‌داریش در ۱۲۰٤ فصلی نواب آصف الدوله بهادر ودیعتِ حیات به متقاضی اجل سپردند. و به‌جای ایشان چند ماه نواب وزیر علی متبنی نواب وزیر مسندِ ریاست آراست. بعدازآن در ۱۲۰۵ فصلی نواب سعادت علی خان مغفور رونق‌افزای وزارت شده. و در عهد ایشان از ۱۲۰٦ تا ۱۲۰۷ فصلی رجب‌بیگ خان برادرزادهٔ نواب حیدربیگ خان چکله‌دار بوده است. عمل‌داری او سست بوده. در ۱۲۰۸ فصلی میر کاظم علی‌خان چکله‌دار شد. و آخر سال در این‌جا آمده، جمع سال تمام قرار واقع گرفت و در چکلهٔ اعظم‌گره بعد از راجه سیتل‌پرشاد، از ۱۲۰۱ فصلی بوعلی خان عامل شد. بعدازآن در ۱۲۰۵ فصلی محمدحسین خان و پس از وی در ۱۲۰٦ فصلی خواجه سخاوت الله، و در ۱۲۰۷ فصلی بیجناتهه[۲] و در ۱۲۰۸ فصلی اکبر علی خان پسر نواب حیدربیگ خان ناظم شد. و بعدازآن، مِن ابتدای ۱۲۰۹ فصلی چکلهٔ گورکھپور و اعظم‌گره مع املاکِ دیگر به‌موجب تفویض نواب وزیرالممالک به ید تصرّفِ سرکار فیض‌آثا کمپنی انگریز بهادر درآمد.

---

۱. Kallu Beg

۲. Bejnath

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

احوالِ بعضی از پرگنات که در این اثنا خارج از تَعهُّد چکله‌داران مرقوم الصدر بوده‌اند آن‌که:

پرگنهٔ رتن‌پور بانسی[۱] و رسول‌پور غوث تا پنج سال از ۱۱۷۸ فصلی لغایت ۱۱۸۲ فصلی متعلقِ سیدی ناصر بوده است. سابق از این نواب فضل علی خان از آن پرگنه، به دربندی چهار روپیه بیگهه[۲] یک نیم لک روپیه گرفته بود. از آن‌وقت آن‌قدر ویران‌شد که در ۱۱۷۸ فصلی ابتدای عمل سیدی جائداد سی دیه هزار روپیه باقی‌ماند. و سیدی مسطور در ماه ساون[۳] به تشفی و دلاسای رعایا پرداخت. و تا دو آنه[۴] بیگهه پتّه[۵] اراضی بنجر[۶] مقرر کرده، رعایا را به حسن سلوک خود آباد گردانید. تا آخر ۱۱۷۸ فصلی به وجه خام، به جمعِ شصت‌وهشت هزار روپیه رسید. و در آخر عمل‌داری

---

۱. Ratanpur Bansi

۲. Bigha، یک واحد اندازه‌گیری زمین، یک بگهه ۱۶۰۰ مربع گز، یک گز حدوداً برابر با ۳ فوت (۰.۹۱۴۴ متر) است.

۳. پنجمین ماه هندی

۴. دوازده و نیم پیسهٔ هندی، ۱۰۰ پیسه، برابر با یک روپیهٔ هندی.

۵. اجاره و معاهدهٔ زمین

۶. زمین بایر، زمینی که در آن زراعت نکنند.

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

سیدی در ۱۱۸۲ فصلی جمع آن پرگنه یک لک نود هزار روپیه نشست گردید. و باز آبادیِ آن‌وقت در عمل کرنیل[۱]، رو به ویرانی آورد. چنانچه کرنیل موصوف صرف از پرگنهٔ رسول‌پور غوث مبلغ یک لک بیست [و] دو هزار روپیه تحصیل‌کرده بود. و از ۱۱۹۹ فصلی یا ۱۲۰۲ فصلی پرگنهٔ بانسی و مگهر و رسول‌پور غوث شاملِ سرکار بهرائچ، به علاقه و تعهد راجهٔ نرمل رام، برادرِ راجه تکیت‌رای[۲](تکیت رائے) بوده است. و از طرفِ ایشان در ۱۱۹۸ فصلی و ۱۱۹۹ فصلی برای منسارام[۳]، و در ۱۲۰۰ فصلی راجه سیتل‌پرشادسنگه[٤] و در ۱۲۰۱ فصلی [و] ۱۲۰۲ فصلی میرزا ابراهیم‌بیگ عاملِ این هر سه پرگنه بوده‌اند.

---

۱. سرهنگ
۲. Tiket Rai
۳. Mansa Ram
٤. Sital Prasad Singh

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

کیفیتِ اقسامِ زراعت و ملاحت و تفصیلِ اقسامِ پَتّہ[۱]

در این چکله آراضی دو قسم است. یکی بانگر[۲] یعنی اراضی فرار که در آن‌جا آبِ سیل نمی‌رسد، و آن دو قسم است. یکی کهادر[۳] یعنی نمناک، که در آن‌جا شالی‌کلان می‌کارند. و دیگر زمینِ هموار، که در آن‌جا هر جنس از گندم و نیشکر و غیره پیدا[۴] می‌شود. و قسمِ دیگر کچهاره[۵]، که در آن‌جا آب سیل می‌آید. اکثر جو و عدس و متر[۶] از فصلِ ربیع، به محنتِ کمتر در آن‌جا پیدا می‌شود. و در این ضلع سوای علاقهٔ پدرونه نیشکر کمتر می‌کارند. و در بعضی پرگنات از آفتِ فیلانِ جنگلی، و در بعضی به سببِ این‌که قندِ سیاه آن‌جا خوب نمی‌شود. و در علاقهٔ پدرونه (پڈرونہ) یک سال نیشکر کاشته تا دو سال درو می‌نمایند. و نیشکرِ آن‌جا به نسبتِ

---

۱. اجاره، اجاره‌نامه
۲. جایی بلند که آب از آن‌جا به‌طرف پایین می‌آید.
۳. نشیب، زمین پست و سرازیر
۴. تولید
۵. Kachara
۶. Matar، نخود سبز، نخودفرنگی

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

جاهای دیگر شیرین و سیراب. زیادتر[۱] که از شکر و چینی[۲] همان‌جا حلوائیان و مردم، اقسامِ شیرینی‌های پاکیزه و نرم طیارمی‌سازند[۳]. و در پرگنات امودہ[۴] و نگر و بستی و مهولی گندم و جو و نخود و جوار و باجره و ماش و موته(موٹھ)[۵] و کُودرم[۶] بیشتر پیدا می‌شود. و در پرگنهٔ سلهت و شاه‌جهان‌پور و بعضی از پته‌های پرگنهٔ حویلی گورکهپور، و پرگنهٔ مگهر و مجهولی از هر جنس فصلِ ربیع و خریف پیدا می‌شود. تفصیلِ پیداوار[۷] هیچ‌یک جنس نیست. و در پرگناتِ دیگر از بانسی و رسول‌پور غوث و پرگنات متعلقهٔ دامان کوه و بعضی پته‌های حویلی گورکهپور و غیره زمین قابل اقسام شالی بسیار. چنانچه در دو سه پتّه از پرگنهٔ بانسی مثل بنجرها و سربودهی[۸] و برهون[۹] و کهجنی[۱۰] و بعضی پرگنات ترائی، اقسامِ برنج باریک از بهرنی[۱۱] و شام‌زیرا[۱] و راج‌هنس[۲] و

---

۱. در اصل: زیاده‌تر
۲. عصاره‌ای که از چغندر یا نیشکر گیرند، شکر
۳. آماده می‌کنند.
۴. Amudah
۵. یکی از سبزی‌جات
۶. یک نوع سبزی است.
۷. تولید
۸. Sarbudhi
۹. Barhun
۱۰. Khajni
۱۱. Bharni، یکی از اقسام برنج درجهٔ یک

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

راب‌کول[۳] مشهوراست. و در فیض‌آباد و لکهنو، به نام پرگنهٔ بانسی فروخته‌می‌شود. و آن را به استعمال می‌رسانند. و اراضی پرگنهٔ دهوریاباره[۴] و پرگنهٔ اولوله قابل فصل ربیع بسیار، و دیهاتِ این هردو پرگنه بیشتر به رقبهٔ قلیل، که بعضی از آن تا پانزده، بیست بیگهه خواهد بود. و آب در اکثرِ دیهات کمتر است. و مدارِ ارزانی این چکله بر فصل خریف است. در صورتِ کمی باران که نقصان فصل بهدئین بیشتر از آن است، ارزانی نمی‌شود. و در بعضی از پته‌های پرگناتِ اولوله و بانسی و سلهت و بستی و مگهر و گورکهپور هنوز دیهاتِ ویران بسیار است، که به سبب کمیابی رعایا جنگلستان یا آمدنِ فیلانِ جنگلی آباد نشده. و در این ضلع، آبِ چاه برای سیرابی کشت‌های گندم کفایت نمی‌تواند کرد. رواج آب‌پاشی از گدهی[۵] و تالاب است. و چون در این چکله از مدت کثیر ویرانی بسیار و رعایا کمتر بوده‌اند، و در ابتدای عمل‌داری سرکار به مدّنظر آبادی از سرکار فیض آثار پته دیهات ویران. در بندوبست، اول فی دیه از پنج روپیه تا بیست روپیه و بعدازآن به شرح دو روپیه فی صد بیگهه عنایت شد. کاشت کاران دیهات جمعی قدیم به طمعِ تخفیفِ دربندی اراضی، دیهٔ خود را

---

۱. یکی از اقسام برنج درجهٔیک
۲. Raj Hans، یکی از اقسام برنج درجهٔیک
۳. Rab Kol، یکی از اقسام برنج
۴. Dhoria Barah
۵. Gadhai، جای گود که آب باران در آن مجتمع شود.

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

گذاشته در دیهاتِ نو آبادشدن گرفتند. لهذا مال‌گذاران دیهات جمعی نیز تخفیف دربندی در دیه خودها نمودند، که الحال هیچ‌یک جا دربندی عمل‌داری نواب وزیر باقی نیست. و بدین سبب نقصانِ فاحش در جمعِ دیهات جمعی قدیم راه‌یافته. و جمع کامل عمل‌داریِ نواب وزیر در هیچ‌یک دیه و هیچ‌یک پرگنه نمی‌تواند آمد. و معمول و مرسوم این‌جا به سبب افراطِ زمین ویرانی، بدین وجه که اراضیِ بنجر را که دربندی آن کمتر و پیداوار بیشتر دارد، تا سه سال کاشته. هرگاه پهه شد که به جمع کامل رسید و قوتش ضعیف شد، گذاشته‌می‌دهند. و باز عوضِ آن زمینِ بنجر دیگر تردد می‌نمایند. و آراضی چکلهٔ گورکهپور به نسبت چکلهٔ اعظم گره بسیار کم‌قوت، که در سه چهار سال پیداوار آن بسیار کمتر می‌شود. و در عمل‌داری نواب وزیر هم دربندی و آبادی چکلهٔ اعظم گره به نسبت چکلهٔ گورکهپور زیاد[۱] بوده است و در این چکله، شرحِ پتّه به سه قسم. یکی چوکتی[۲] یعنی مُقرّری و دوم دربندی یعنی خام، سوم بتائی[۳] یعنی غلئ[۴]. و شرح دربندی در هر پرگنه و هر پتّه مختلف، مگر اکثر جاها از هشت آنه در کشتِ بنجر و تا دو روپیه فی بیگهه اراضی پهه مقرر. و در بعضی پرگنه، مثل بستی و سلهت و گورکهپور، در دیهاتِ ویرانی تا دو آنه

---

۱. در اصل: زیاده

۲. Chaukati

۳. Batai

۴. منسوب به غلات، توزیع محصولات غذایی بین کشاورزان و زمین‌داران

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

بیگھه است، که در آن هم حصهٔ چهارم مقدم می‌گردد. شرح بتائی به‌حساب پچ‌کَوری (پچ‌کوڑی) و شش کَوری (شش‌کوڑی) تا هفت کَوری[1]، در دیهات ویرانی است. و رعایا، پَتّه بَتائی سوای از اراضی کچهاره، که در آن‌جا یک‌فصل به محنتِ کمتر پیدا می‌شود، کم‌تر قبول می‌نمایند.

[1]. از واحدهای پول رایج در زمان قدیم

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

کیفیتِ اقسامِ زمین‌داران یعنی زمین‌دار و برته[۱] و غیره که در این‌جا هستند:

در این ضلع زمین‌داران[۲] سه قسم‌اند. یکی مالکِ کاملِ زمین، که سوای او دیگری را در آن دخلی نباشد. دیگری تعلقه‌دار[۳]، از قسم راجه و دیگرِ مالکان تعلقه، که نام آن‌ها در خانهٔ ملکیت داخل و در اکثر دیهات تعلقهٔ آن‌ها بر تهه‌ها شریک هستند، که آن‌ها جلکر[۴] و بنکر[۵] دیه‌برت خودها می‌خورند. و مال‌گذاری به‌طور چوکتی پیش تعلقه‌دار می‌نمایند و هنگام ضلع دهیک[۶] یا دو بولی[۷] می‌گیرند. سوم برته‌ها و این‌ها چند قسم آمد. یکی آن‌که از هنگام برت[۸] مال‌گذاری خارج از تعلقه می‌مانند. دوم این‌که

---

۱. پیمان موقر
۲. در اصل: زمیداران
۳. خداوند ملک و مالک و زمین‌دار
۴. مالیات آب
۵. مالیات جنگل
۶. یکی از عهدنامه‌ها
۷. عهد بندند
۸. جاگیر،

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

بدون اخراجات به‌طور شنکلپ[۱] یعنی خیرات یافته‌اند. سوم این‌که خرید کرده، گاهی شامل تعلقه و گاهی خارج از آن مال‌گذاری کرده باشند. چهارم این‌که در برت‌پتر[۲] آن‌ها، هیچ‌یک شرط نوشته نیست. مگر گاهی مال‌گذاری خارج از تعلقه نکرده‌اند. پنجم این‌که روپیه داده، خرید کرده‌اند، لیکن برت‌پترِ آن‌ها به‌شرط مال‌گذاری اندرونِ تعلقه است. ششم آن‌که برت آن‌ها به‌شرط خدمت یعنی به‌طور جاگیر[۳]است، که به وجه عهده یا به وجه خدمت‌گزاری یافته باشند.

---

۱. Shankalp

۲. عهدنامه

۳. پاره‌ای از زمین که سلاطین و امرا و منصب‌داران و مانند آن دهند تا محصول آن را از کشت و کار هرچه پیدا شود متصرف گردند.

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

بعضیِ کوائف این ضلع

سابق از این، در این ضلع تا عمل‌داری نواب فضل علی خان که سه سال بعد از شکست بکسر بوده است، به سبب آبادانیِ ملک ارزانی بسیار بوده. برنجِ باریک فی روپیه یک من[۱] شش پسیری[۲] و روغنِ زرد فی روپیه ده آثار[۳] و مرغ فی عدد یک تنگه فروخت می‌شد. تا عمل نواب وزیر، مزدوران سه فلوس و نَجّاران و مِعمّاران دو آنه یومیه می‌یافتند. و ماهی به کثرت تمام و همه مفت مُیَسّر می‌آمد. ازاین‌جهت تا هنگام آبادی این ملک، بیشتر مردمِ اطراف که همراه حکامان متعین‌شده می‌آمدند، در این‌جا سکونت‌پذیر شدند. از میوه‌های جنگلی، بهلونجی[۴] یعنی مغز بهلانوه[۵] که مثلِ مغز بادام برآورده، می‌خورند. برای امراضِ بلغمی بسیار مفید، و بعضی را ورم بدن اِحداث می‌کند. و دیگر چِرَونجی[۶] یعنی مغز خب‌النَّمد است،

---

۱. برابر با چهل سیر
۲. پنج سیر
۳. برابر با یک سیر
۴. Bhalaunji
۵. Bhalanwa، یکی از میوه‌های خشک
۶. Chiraunji

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

که شامل میوه‌های خشک ولایتی در حلوا و غیره می‌اندازند. و سوای فالسه[۱] و کهجور[۲] و گل‌شکری است که از بیخ کاه برمی‌آرند. و هلیلهٔ کلان این‌جا برای مُربّا مشهور است. سابق از این، شهد[۳] و موم و رال[۴] به قیمت ارزان یافته‌می‌شد. و از میوه‌های باغی[۵] انبه، به کثرتِ تمام و کتهل[۶] و کیله[۷] و اناس[۸] و امرود[۹] و شریفه[۱۰] خوب‌می‌شود. و از ریاحین، جابه‌جا گل کیوره[۱۱] و کیتکی[۱۲] هم هست. و در بعضی مواضع، درخت‌های تار[۱۳] بسیار. و بیشتر احوال این ضلع در درخت‌های باغی، مشتبه به عظیم‌آباد. از تحائف خاصهٔ این شهر، آسیا کوشت سیاست که جای دیگر تیّار[۱۴] نمی‌شود، هرگاه خواسته باشند تا ده دوازده آثار گوشت در اندک زمان بسایند که رگ و ریشهٔ آن باقی نماند.

---

۱. میوه‌ای که از آن شربت آماده می‌کنند.
۲. خُرما
۳. عسل
۴. مواد چسبندهٔ درخت کاج یا درخت دیگر
۵. منسوب به باغ، زمینی که در آن درخت‌های میوه یا گل کاشته شده باشد، بوستان
۶. Kathal، میوه‌ای که پوست آن خاردار می‌باشد.
۷. موز
۸. آناناس
۹. یک نوع میوه است.
۱۰. یکی از میوه‌ها
۱۱. نام یکی از درخت‌های عطرآگین
۱۲. نام یکی از درخت‌های معطر
۱۳. Tar or Tad، درختی مشابه به درخت خرما
۱۴. آماده

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

برخی از احوالِ این ضلع در عمل‌داری سرکار

سابق از این دَر عهدِ سلطنتِ محمد اکبر بادشاه، کاغذ موازنه تمامی دیهات ملک هندوستان مرتب‌شده. چنانچه در چکلهٔ اعظم گره، پیش بعضی از قانون‌گویان[۱] معاینه شد، مگر ضبطِ پیمایشِ دیهات چکلهٔ گورکهپور در آن‌وقت به عمل نیامد. در ۱۲۱۲ فصلی که امنای سرکار، برای پیمایش دیهات این چکله از کچهریِ نظامت مقرر شدند و کاغذ موازنه به دستخط[۲] قانون‌گویان گذرانیده‌اند، مطابقِ واقع نیست. و آن کاغذ اکثر از روی شد کار و زمین‌داران[۳] را به‌اتفاق قانون‌گویان به خیال این‌که در تکثیر رقبه توفیر جمع هنگام بندوبست خواهد شد، اراضی دیهات خودها بسیار کمتر به قید سرحد نویسانیده داده‌اند. و نیز قانون‌گویان رقبهٔ بعضی دیه، به ارادهٔ ایزاد کردن جمع زیادتر[٤] هم نوشته، و بالفعل آن کاغذ هرقدر

---

۱. محرری که حساب زمین کل منطقه نزد او باشد.
۲. امضاء
۳. در اصل: زمیداران
٤. در اصل: زیاده‌تر

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

کهنه می‌شود زیادتر[۱] مدارِ اعتماد و باعثِ تخریبِ بعضی مُقدمّات در عدالت نظامت می‌گردد فقط.

بفضله تعالی، تاریخ بی‌نظیر به ماه مه[۲] ۱۸۷۲م در مطبع منشی نَوَلکِشُور صاحب[۳] دام دولته، رونق انطباع یافت.

---

[۱] در اصل: زیاده‌تر

[۲] در اصل: مئی (May)

[۳] منشی نَوَلکِشُور (ت: ۳ ژانویه ۱۸۳۶ – د: ۱۹ فوریه ۱۸۸۵م) یک ناشر کتاب در هند بود که در سال ۱۸۵۸م در بیست‌ودوسالگی، در شهر لکهنو چاپ‌خانه‌ای تأسیس کرد. این چاپ‌خانه امروز قدیمی‌ترین چاپ‌خانه و نشر کتاب در آسیا به شمار می‌رود.

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

فهرستِ اعلام

(متن کتاب)

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

فهرست نام اشخاص:

الف:
آصف بهادر (نواب) ۵۸
آصف الدوله (نواب) ۵۹، ٦۲
ابراهیم (ابراهیم کهین) ٤۵
ابراهیم بیگ (میرزا) ٦٤
ابراهیم لودی (سلطان) ٤٦
ابوالبرکات خان (مظفر الدوله) ۵۰
ابوالمنصور خان (صفدرجنگ) ٤۸، ٤۹، ۵٦
التمش (شمس‌الدین) ٤٤
الله ٤۵
اجیت سنگه (راجه) ۵۰
احمدشاه ٤۸
احمدشاه (درانی) ٤۸
اسماعیل بیگ خان ٦۰
اکبر (جلال‌الدین‌محمد بادشاه) ٤۷، ۵۵، ۷٤
اکبر علی خان ٦۲
الغ خان ٤٤
الماس (خواجه) ۵۹
اندهیلی شاه (عادل شاه) ٤۷
اهلاد سنگه (راجه) ۵۸

ب:
بابر (ظهیرالدین محمد) ٤۷.
باربک شاه ٤٦
بخش الله بیگ (میرزا) ۵۹
برهان الملک سعادت خان ٤۸
بشندت ٦۱
بکرماجیت ٤۷
بلبن (غیاث‌الدین بلبن تغلق شاه غازی) ٤٤
بنوارسنگه (راجه) ٦۲
بوعلی خان ٦۲
بهادر شاه (معظم شاه) ۵۲
بهلول (سلطان) ٤۵، ٤٦
بهوانی پرشاد (راجه) ٦۱
بهیکن خان بزرگ پوری ٤٦
بیج ناته ٦۲
بیرام خان ٤۷

ت:
تغلق شاه غازی (غیاث‌الدین بلبن) ٤٤
تیکیت رای (راجه) ٦٤
تیمور (امیر) ٤۵

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

پ:
پندت سوبھامن دیوان راجہ سناسی ۵۹
پھلوان سنگھ ۵۷
ج:
جرجانی (سید شریف) ٤۵
جیت سنگھ ۵۹
ح:
حضرت‌سالار (حضرت‌مسعود غازی) ٤۲، ٤۳، ۵۲
حسین (سلطان) ٤٦
حیدر بیگ خان (نواب) ٦۱، ٦۲
خ:
خان جہان (ملک سیر، خواجہ سرا) ٤٤، ٤۵
خدا یار خان (میر) ۵٦
خلیل‌الرحمن (قاضی) ۵۳
خواجہ‌سرا (ملک سیر، خان جہان) ٤٤، ٤۵
خواجہ عین‌اللہ مولایی ٦۱
د:
درانی (احمدشاہ) ٤۸
دلجیت سینگھ ۵۵، ۵٦
دملو اقبال خان ٤۵
ر:
راجہ گورکھپوری ۵۵
رام نراین ۵٦
رجب بیگ خان ٦۲
رنجیت سنگھ ۵۵
س:
سالار (حضرت مسعود غازی) ٤۲، ٤۳، ۵۲
سخات اللہ (خواجہ) ٦۲
سربجیت سنگھ ۵٦
سعادت علی‌خان (یمین الدولہ بہادر) ٤۸، ۵۰، ٦۲
سکندر علاء الدین لودی ٤٦
سلطان شرقی (خواجہ‌سرا) ٤۵
سلطان محمود ٤۲، ٤۵، ٤٦، ۵۲
سلیم شاہ (نورالدین جہانگیر) ٤۷
سنومان سنگھ (راجہ) ۵۷
سیتا رام کایستہ ۵۸
سیتارام کھتری ۵۸
سیتل پرشاد (درامدین، راجہ) ٦۱، ٦۲، ٦٤
سید شاہ معروف، ٤۳
سید محمد خان (نواب) ۵۹
ش:

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

شاہ عالم ۵۰
شجاع الدولہ (بہادر) ۴۹، ۵۰، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹
شہاب‌الدین غوری ۴۳، ۴۴
شیخ‌زادۂلکھنو (نواب‌معزالدین خان) ۴۹، ۵۶
شیر خان افغان ۴۷

ص:

صفدر جنگ ۴۸، ۴۹
صورت سنگہ (راجہ) ۵۷، ۵۸، ۶۰

ظ:

ظالم سنگہ (راجہ) ۵۶

ع:

عادل شاہ ۴۷
عالم‌گیر (محی‌الدین عالم‌گیر) ۵۲، ۵۳
عالی گوہر (میرزا) ۴۹
عبداللہ بیگ مخدوم ۶۰
عطابیگ خان ۶۱
علاءالدین (ابن شہاب‌الدین) ۴۴
عین الدین (خواجہ) ۵۶
عین الدین مولائی (خواجہ) ۶۱

غ:

غوری (علاءالدین) ۴۶
غیاث الدین بلبن (تغلق شاہ غازی) ۴۴

ف:

فتح ساہی (راجہ) ۵۶
فیروز شاہ ۴۴، ۴۵
فدایی خان (نواب) ۵۲
فضل علی خان (نواب، غازی پوری) ۵۷، ۶۳، ۷۲

ق:

قاضی (خلیل الرحمن) ۵۳
قاضی (شہاب‌الدین) ۴۶
قطب‌الدین ایبک (سلطان) ۴۳

ک:

کاظم علی خان (میر) ۶۲
کپتان صاحب ۶۰
کلوبیگ ۶۱
کیشورای ۵۹
کیقباد (معزالدین) ۴۴

گ:

گورکہ ناتہ ۵۲

ل:

لودی (ابراہیم لودی) ۴۶
لودی (سکندر علاءالدین لودی) ۴۶

م:

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

مانک جوگن (راجه) ٥٦
مبارک شاه (سلطان) ٤٥
مجهولی (راجه) ٥٥
محمدحسین خان ٦٢
محمدحسین (مفتی) ٥٢
محمدخان ٤٤
محمدسعید خان (قندهاری) ٥٩
محمدشاه (بادشاه غازی) ٤٨
محمد شفیع خان ٥٩، ٦٠
محمدقلی خان ٤٩
محمود (سلطان محمود غزنوی) ٤٢، ٤٥، ٤٦، ٥٢
مختار الدوله ٥٩
مخدوم (عبدالله بیگ) ٦٠
مستر هستن (نواب گورنر) ٥٩
مسعود غازی (سید، سالار) ٤٢، ٤٣، ٥٢
مصطفی خان ٦٠
مظفرالدوله (ابوالبرکات خان) ٥٠
معزالدین خان (نواب شیخزادهٔ لکهنو) ٤٩، ٥٦
معظم شاه (بهادر شاه) ٥٢
ملک العلما (قاضی شهاب الدین) ٤٦
ملک سیر (خواجه‌سرا، خان جهان) ٤٤
ملها راو هولکر ٤٩
منسارام ٦٤
منعم خان (میر) ٥٠
منیرالدوله ٥٠
میجر صاحب (هالی) ٥٩، ٦٠
میر باقر ٥٦

ن:

نادر شاه ٤٨
ناصرالدین (محمد خان) ٤٤
نرمل رام ٦٤
نقی بیگ خان ٦٠
نواب وزیر (نواب وزیرعلی) ٥٨، ٦٠، ٦٢، ٦٨
نول رای ٤٩
نولکشور (منشی) ٧٤

و:

وزیرعلی (نواب) ٦٢
وزیرالممالک (نواب) ٦٢

ه:

هادی خان ٥٨
همایون (نصیرالدین) ٤٧
هیمون بقال ٤٧، ٤٨

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

فہرست اماکن

الف:
اعظم گرہ ٦١، ٦٢، ٦٨، ٧٤
الولہ ٦٧
امودہ ٥٦، ٥٨، ٦٦
اودہ ٤٨، ٤٩، ٥٠
ایران ٤٧

ب:
بانسی ٥٥، ٥٨، ٦٤، ٦٦، ٦٧
بتول ٤١، ٥٤، ٥٨
بخلول ٤١
برہون ٦٦
بستی ٥٨، ٦٦، ٦٧، ٦٨
بکسر ٤٧، ٤٩، ٥٧، ٧٢
بنارس ٤٢، ٤٣، ٥٩
بہار ٤٧
بہرایچ ٤٣، ٥٩، ٦٤
بھوا پارہ ٥٥، ٥٨
بیتال گرہ ٥٤
بیدیا گرہ ٥٤
بیسوارہ ٥٠

پ:
پانی پت ٤٦
پدرونہ ٤١، ٤٩، ٥٧، ٥٩، ٦٥
پدھیا بارہ ٥٧

ت:
ترکستان ٤٥

ج:
جون پور ٤٢، ٤٥، ٤٦

چ:
چھارن ٥٨، ٦٠
چھپرہ ٥٠، ٥٦

ح:
حویلی ٥٥، ٦٦

خ:
خلیل آباد ٥٣

د:
دکن ٤٧
دومن گرہ ٥٤
دھلی ٤٣، ٤٤، ٤٥، ٤٦، ٤٧، ٤٩
دھوریاپارہ ٦٧

ر:
رام گرہ ٥٤
رتن پور بانسی ٦٣
رسول پور (غوث) ٥٢، ٥٨، ٦٣، ٦٤، ٦٦

س:
سدھوا جوتیہ ٥٨

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

سترکھه ٤٣
سربودھی ٦٦
سری نگر ٥٥
سلهت ٥٥، ٥٨، ٦٦، ٦٧، ٦٨
سلیم پور ٥٠
سیتا رام کهتری ٥٨
ش:
شاه جهان‌آباد ٤٩
شاه جهان پور ٦٦
ع:
عظیم‌آباد ٧٣
غ:
غزنی ٤٢
غزنین ٤٣، ٤٤
ف:
فرخ‌آباد ٥٠
فیض‌آباد ٦٧
ق:
قنوج ٤٣، ٤٥، ٤٧
ک:
کچهری ٥٢
کرا مانک پور ٤٣
کوتله ٥٣، ٥٩، ٦٠
کهجنی ٦٦
گ:
گج پور ٥٥
گورکهپور ٣٩، ٤٣، ٤٤، ٥٢، ٥٤، ٥٥، ٥٧، ٥٨، ٥٩، ٦٠، ٦١، ٦٢، ٦٦، ٦٧، ٦٨، ٧٤
ل:
لکهنو ٤٩، ٥٠، ٦٧
م:
مانک پور ٤٣
مجهولی ٥٥، ٥٨، ٦٦
معظم آباد ٥٣
مگهر ٥٣، ٥٨، ٦٤، ٦٦، ٦٧
مندف ٥٢
مهولی ٥٨، ٦٦
ن:
نانپاره ٦٠
نگر ٦٦
ه:
هند ٤٢، ٤٣، ٤٨
هندوستان ٤٧، ٥٢، ٧٤

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

فهرست مصطلحات و نوادر اسماء و لغات و ترکیبات

الف:
آثار ۷۲، ۷۳
آراضی ٦٥، ٦٧، ٦٨، ٦٩، ٧٤
آنه ٦٣، ٦٨، ٧٢
احتراق ٤٠
احکام تیموریه ٤٩
افغانان ٤٩
افاغنه ٤٥، ٤٧، ٤٨، ٤٩
التمغای لکهنو ٥٠
انگریز ٥٠، ٥٧
انگریزی ٥٠، ٥٦
اهل اسلام ٤٢، ٥١، ٥٢، ٥٤، ٥٧

ب:
بانگر ٦٥
بتایی ٦٨، ٦٩
برت ٧٠
برت پتر ٧١
برته ٧٠
برشکال ٣٩
برهمنان ٥١
بلوا ٥٢
بنجر ٦٣، ٦٦، ٦٨
بنکر ٧٠
بیگهه ٦٣، ٦٧، ٦٩

ت:
تاج وران ها ٥٤
تپ بلغمی ٤٠، ٤١
ترایی ٥٤، ٦٠، ٦٦
تعلق دار ٥٩
تعلقه دار ٥٥، ٥٩، ٧٠
تنگنه ٧٢
تورانی ٤٨
تهاور ٥٥
تهاوران ٥٤

پ:
پته ٦٣، ٦٥، ٦٦، ٦٧، ٦٨، ٦٩
پچ کوری ٦٩
پرگنات ٤٠، ٤١، ٥١، ٦٣، ٦٥، ٦٦
پرگنه ٥٣، ٥٥، ٥٨، ٦٣، ٦٤، ٦٦، ٦٧، ٦٨
پسیری ٧٢

ج:

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

جاگیر ۷۱
جلکر ۷۰
جماعه تورانی ٤۸
جوگی ٥۲
جهیل ۳۹
چ:
چکله ٥٥، ٥۷، ٥۹، ٦۱، ٦۲، ٦٥، ٦۷، ٦۸، ۷٤
چکله دار ٥۳، ٥٦، ٦۰، ٦۲،
چکله داران ٦۳
چوکتی ٦۸، ۷۰
ح:
حلوا ۷۳
د:
دربندی ٦۸
دستخط ۷٤
دو بولی ۷۰
دولت تیموریه ٤۸
دیه ٦۷
دیهات ٥۱، ٥٤، ٥٥، ٥۸، ٥۹، ٦۰، ٦۷، ٦۸، ٦۹، ۷۰، ۷٤
دیه برت ۷۰
دهیک ۷۰
دیهه ٥۸
ر:
راج ٥٤، ٥٦
راجپوتان ٥۱، ٥۲، ٥٤
رساله دار ٥۸
ز:
زمین‌دار ٦۹، ۷۰
زمین‌داران ٥۷، ٥۹، ٦۰، ۷۰، ۷٤
زمین‌داری ٥۱، ٥٥
س:
ساون ٦۳
سربسنت ٥٤
سرسام ٤۰
سرکار فیض آثار ٦۲
سرکار کمپنی انگریز ٥۰
سلطنت شرقی ٤٥
سواد ۳۹، ٥٤
سودا ٤۰
سه پهر ٤۳
ش:
شش کوری ٦۹
شنکلپ ۷۱
ض:
ضعف اشتها ٤۰
ضلع دهیک ۷۰
غ:
غب خالص ٤۰
غلی ٦۸

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

ف:
فتق ٤٠
فساد خون ٤٠، ٤١
فصل بهدئین ٦٧
فلوس ٧٢
فیض آثار ٦٢، ٦٧
ق:
قانون گویان ٧٤
قشعریره ٤١
ک:
کتره ٥٦
کچهاره ٦٥، ٦٩
کچهری ٧٤
کرنیل ٦٤
کمپنی انگریز بهاردر ٦٢
کهادر ٦٥
ل:
لک ٤٣، ٦١، ٦٣، ٦٤
م:
مجدد دین‌محمدی ٤٥
مرقوم الصدر ٦٣
مسلمانان ٥١
مشایخ ٥١
مصادره ٥٧
من ٧٢
مندف ٥٢
ن:
ناله ٣٩
نزول ٤٠
نزول چشم ٤١
ه:
هفت کوری ٦٩
هنودان ٥١، ٥٢

نام‌های دریاها

گنگ ٤٥

نام‌های اشیاء

الف:
آسیا گوشت ٧٣
امرود ٧٣
انبه ٧٣
اناس ٧٣
ب:
باجره ٦٦
بادام ٧٢
برنج ٦٦، ٧٢
بهرنی ٦٦
بهلانوه ٧٢
بهلونجی ٧٢
بیخ کاه ٧٣
ت:

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

تار ۷۳
تالاب ٦٦
ج:
جو ٦٥، ٦٦
جوار ٦٦
چ:
چرونجی ۷۲
چینی ٦٦
ح:
حلوا ۷۳
خ:
خب الثمد ۷۲
ر:
راب کول ٦٧
راج هنس ٦٦
رال ۷۳
ش:
شام زیرا ٦٦
شالی کلان ٦٥
شریفه ۷۳
شکر ٦٦
شهد ۷۳
ع:
عدس ٦٥
ف:
فالسه ۷۳
ق:
قند سیاه ٦٥
ک:
کتهل ۷۳
کودرم ٦٦
کهجور ۷۳
کیتکی ۷۳
کیله ۷۳
کیوره ۷۳
گ:
گدهی ٦٧
گل‌شکری ۷۳
گل کیوره ۷۳
گندم ٦٥، ٦٦، ٦٧
م:
ماش ٦٦
متر ٦٥
مرغ ۷۲
موته ٦٦
موم ۷۳
ماهی ۷۲
ن:
نخود ٦٦
نیشکر ٦٥
ه:
هلیله کلان ۷۳

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

ضمایم

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

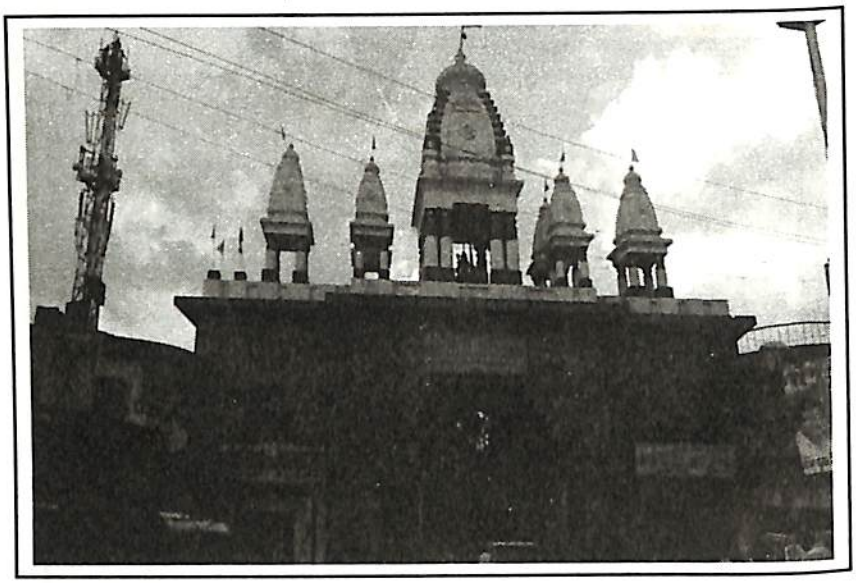

درب مرکزی معبد گورک نات

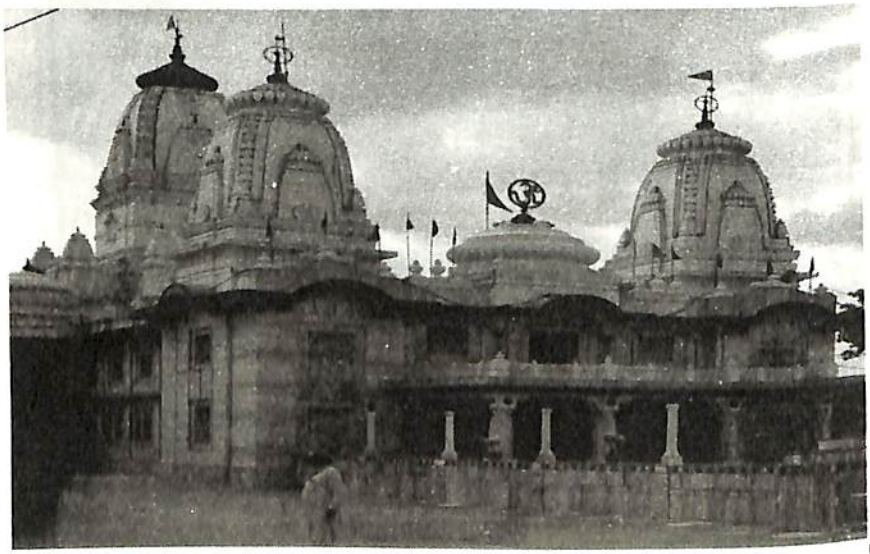

ساختمان مرکزی معبد گورک نات

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

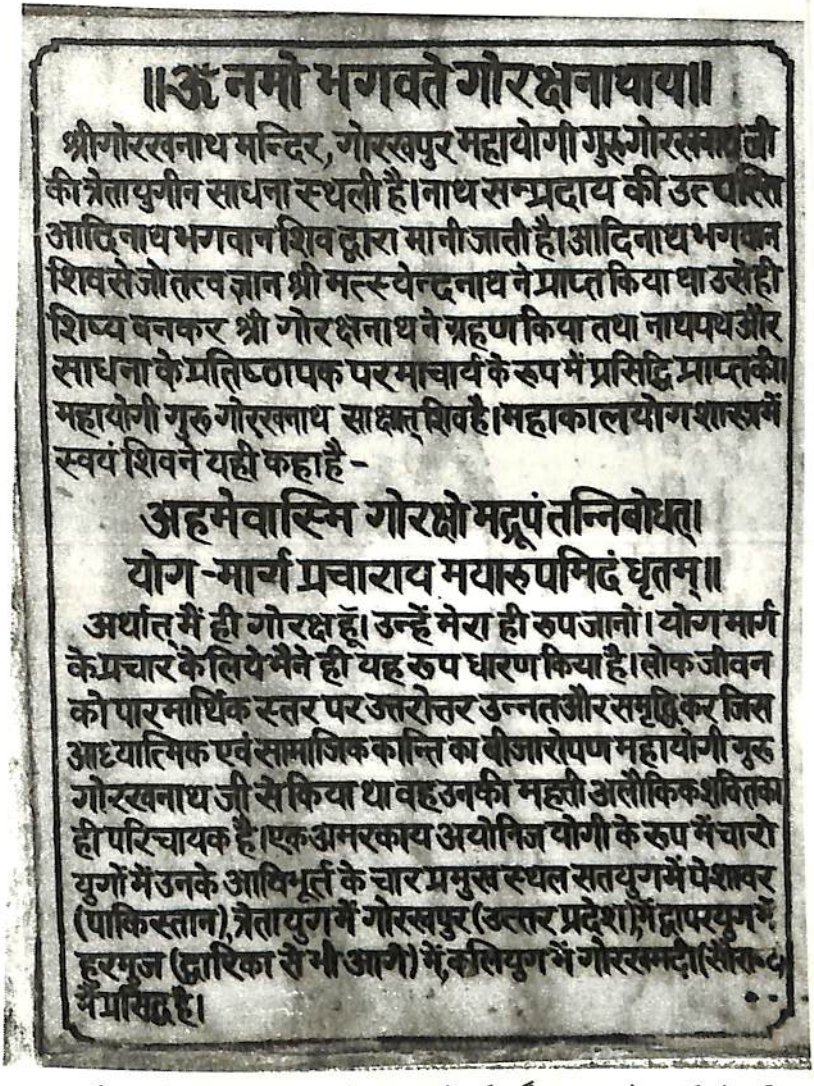

॥ॐ नमो भगवते गोरक्षनाथाय॥

श्रीगोरखनाथ मन्दिर, गोरखपुर महायोगी गुरुगोरखनाथ जी की त्रेतायुगीन साधना स्थली है। नाथ सम्प्रदाय की उत्पत्ति आदिनाथ भगवान शिव द्वारा मानी जाती है। आदिनाथ भगवान शिव से जो तत्व ज्ञान श्री मत्स्येन्द्रनाथ ने प्राप्त किया था उसे ही शिष्य बनकर श्री गोरक्षनाथ ने ग्रहण किया तथा नाथपथ और साधना के प्रतिष्ठापक परमाचार्य के रूप में प्रसिद्धि प्राप्त की। महायोगी गुरु गोरखनाथ साक्षात् शिव है। महाकाल योग शास्त्र में स्वयं शिव ने यही कहा है -

अहमेवास्मि गोरक्षो मद्रूपं तन्निबोधत।
योग-मार्ग प्रचाराय मयारुपमिदं धृतम्॥

अर्थात् मैं ही गोरक्ष हूँ। उन्हें मेरा ही रुप जानो। योग मार्ग के प्रचार के लिये मैने ही यह रूप धारण किया है। लोक जीवन को पारमार्थिक स्तर पर उत्तरोत्तर उन्नत और समृद्धि कर जिस आध्यात्मिक एवं सामाजिक क्रान्ति का बीजारोपण महायोगी गुरु गोरखनाथ जी ने किया था वह उनकी महती अलौकिक शक्ति का ही परिचायक है। एक अमरकाय अयोनिज योगी के रूप में चारो युगों में उनके आविर्भूत के चार प्रमुख स्थल सतयुग में पेशावर (पाकिस्तान), त्रेतायुग में गोरखपुर (उत्तर प्रदेश), द्वापरयुग में हरमुज (द्वारिका से भी आगे) में, कलियुग में गोरखमढी (सौराष्ट्र) में प्रसिद्ध है।

یکی از کتیبه‌های «معبد گورک نات» به زبان هندی و به خط دیوناگری

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

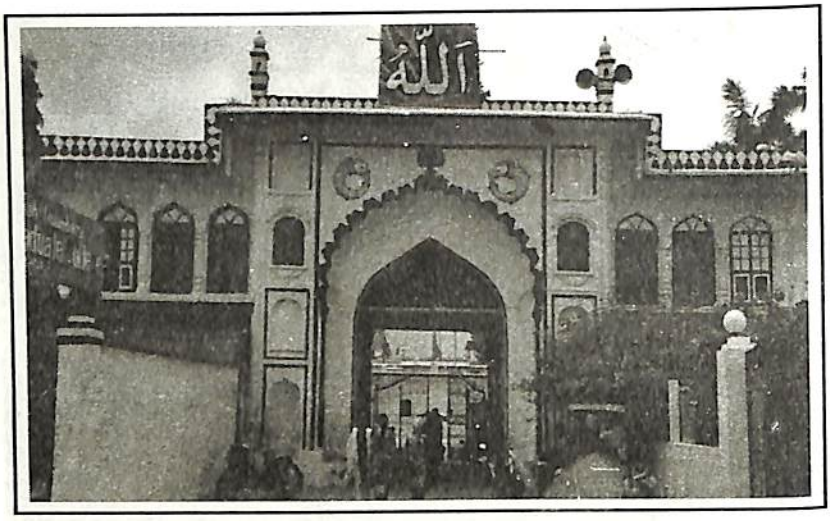

در ورودی حسینیهٔ روشن علی معروف به میان صاحب

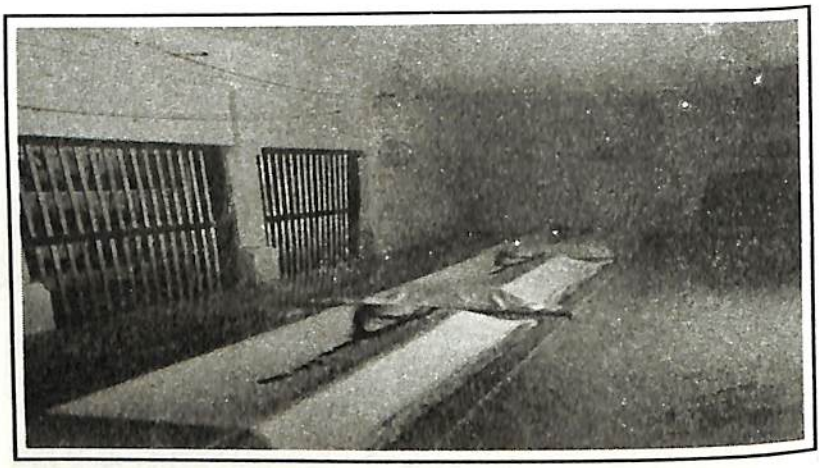

قبرهای آقایان روشن علی، احمد رضا و واجد علی شاه در حسینیه (از بالا به پایین)

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

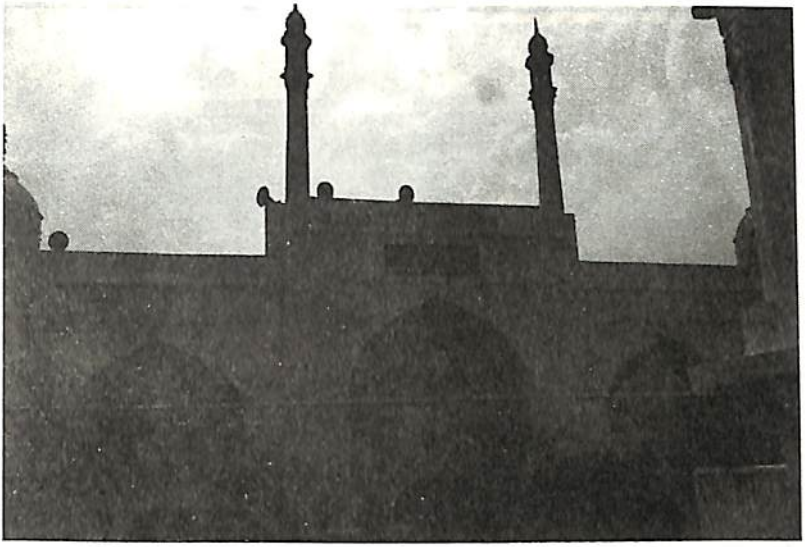

مسجد مُعظّم شاهی در اردو بازار گورکھپور

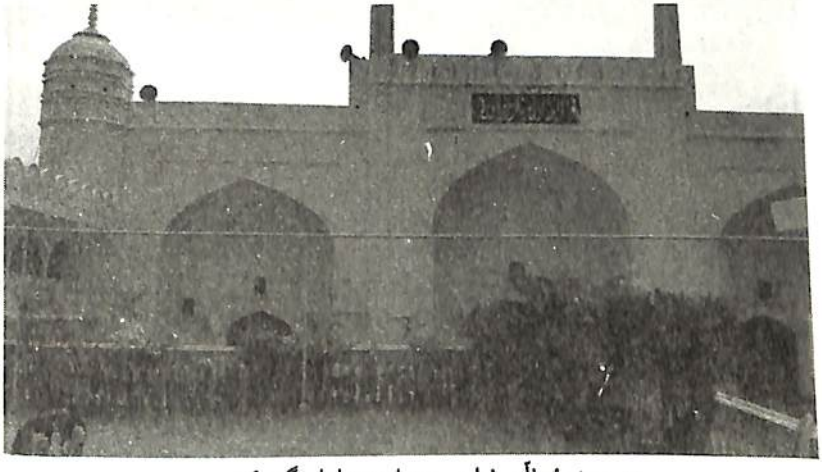

مسجد مُعظّم شاهی در اردو بازار گورکھپور

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

ایستگاه راه آهن شهر گورکھپور

در ورودی دانشگاه گورکھپور

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

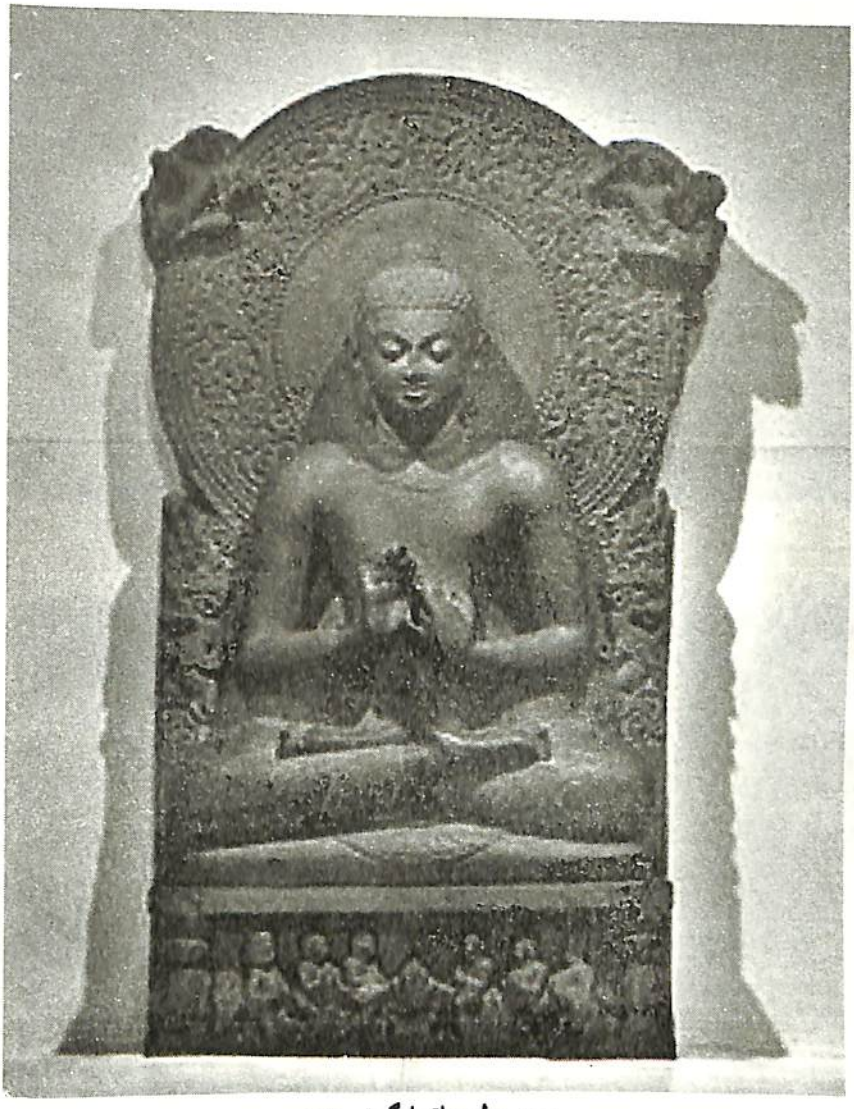

مجسمۂ مہاتما گوتم بدھ

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

TARIKH-I-MOAZZAMABAD
(TARIKH-I-GORAKHPUR)

by

Mufti Maulvi Syed Ghulam Hazrat

Compiled, Edited & Annotated by

Faizan Haider

EDUCATIONAL
PUBLISHING HOUSE
www.ephbooks.com

978-93-5073-881-8

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri